تازه‌های اقتصاد

یکشنبه ۰۸ آذر ۱۴۰۵
۱۹ جمادی الثانی ۱۴۴۸
۲۹ نوامبر ۲۰۲۶
۴ صفحه
شماره ۱۷۴

کارشناسان اقتصادی در گفتگو با تازه های اقتصاد؛

شرط حفظ ثبات ارز در روزهای محاصره

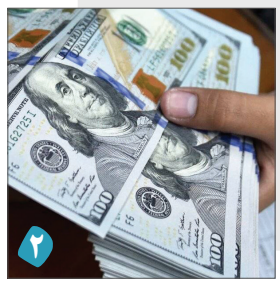

پشت صحنه جهش دلار در روزهای حصر اقتصاد



این روزها اقتصاد ایران در شرایطی با افزایش فشار بر بازار ارز مواجه شده که محدودیت‌های ناشی از تحریم و حصر اقتصادی، ظرفیت صادراتی کشور و به‌ویژه امکان دسترسی به درآمدهای حاصل از صادرات را تحت تأثیر قرار داده و افزایش هزینه مبادلات خارجی، دشواری انتقال منابع، محدودیت‌های بانکی و کاهش انعطاف‌پذیری مسیرهای تجاری، همگی بر میزان ارز قابل استفاده در اقتصاد اثر می‌گذارند.

در چنین وضعیتی نباید مسئله درآمدهای ارزی را فقط با میزان صادرات کشور سنجید؛ چراکه حتی اگر صادرات نفتی و غیرنفتی ادامه داشته باشد، آنچه برای مدیریت بازار اهمیت دارد، میزان ارز قابل دسترس، سرعت بازگشت منابع و امکان استفاده از آنها برای تأمین نیازهای وارداتی و مدیریت بازار است و به همین دلیل، محدودیت در دسترسی به منابع ارزی می‌تواند حتی در شرایط تداوم صادرات، فشار قابل‌توجهی بر بازار وارد کند.

از سوی دیگر، تحولات خارجی تنها از مسیر کاهش عرضه ارز بر بازار اثر نمی‌گذارند؛ بلکه از طریق تغییر انتظارات فعالان اقتصادی نیز می‌توانند به افزایش تقاضای احتیاطی و تشدید نوسانات منجر شوند. به بیان دیگر، وقتی چشم‌انداز صادرات، درآمدهای ارزی و امکان نقل‌وانتقال منابع با نااطمینانی همراه می‌شود، بخشی از فعالان اقتصادی برای پوشش ریسک‌های آینده، تصمیمات خود را تغییر می‌دهند. همین رفتار می‌تواند پیش از آنکه کمبود واقعی ارز در معاملات روزمره نمایان شود، به افزایش قیمت‌ها دامن بزند.

ادامه در صفحه۴

سرمقاله

لجستیک بانک مرکزی در بحران ارزی کجاست؟



منصور بیطرف
روزنامه‌نگار

یادداشت اخیر دکتر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، درباره تحولات ارزی حاوی نکات مهمی است. او در این یادداشت بر چند موضوع انگشت گذاشته و در عین حال، به دلیل جایگاه و حساسیت اظهاراتش و تأثیری که می‌تواند بر بازار بگذارد، از پرداختن مستقیم به برخی مسائل عبور کرده است.

در سال ۲۰۱۹ کتابی منتشر شد که نویسندگان آن بن برنانکی، رئیس سابق فدرال رزرو آمریکا؛ تیموتی گایتنر، وزیر خزانه‌داری دولت اوباما؛ و هنری پاولسون، وزیر خزانه‌داری دولت جورج بوش و مدیرعامل سابق گلدمن ساکس بودند. عنوان کتاب Firefighting یا «آتش‌نشانان» است که به بحران مالی سال ۲۰۰۸ آمریکا و جهان و نحوه مدیریت آن می‌پردازد. بحرانی که به سقوط و ورشکستگی بسیاری از شرکت‌ها، از جمله برادران لهمان، انجامید. شرکت‌هایی مانند جنرال موتورز نیز به ورشکستگی رسیدند و مؤسساتی مانند بیمه AIG تا آستانه فروپاشی پیش رفتند؛ وضعیتی که بدون مداخله دولت می‌توانست پیامدهای بسیار گسترده‌تری داشته باشد.

آنچه بحران مالی ۲۰۰۸ را مهار کرد و مانع تکرار رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ شد، مجموعه‌ای از مداخلات، تصمیمات و هماهنگی‌های نهادهای اقتصادی، به‌ویژه فدرال رزرو و وزارت خزانه‌داری آمریکا، بود. از این رو، کتاب Firefighting نه فقط روایت یک بحران، بلکه شرح تجربه مدیریت بحران و اهمیت هماهنگی میان نهادهای مختلف در شرایط اضطراری اقتصادی است.

شاید رویدادهای اقتصادی ایران با بحران مالی ۲۰۰۸ تفاوت‌های اساسی داشته باشند و نتوان آنها را در یک چارچوب واحد قرار داد، اما وجه مشترک این دو، آشوبی است که در اقتصاد ایجاد می‌شود؛ آشوبی که به بی‌اعتمادی به بازار، افزایش انتظارات تورمی و نااطمینانی نسبت به آینده اقتصاد منجر می‌شود. از این منظر، تجربه مدیران بحران مالی آمریکا می‌تواند برای ما نیز آموزنده باشد. بیسمارک، صدراعظم آلمان، جمله‌ای مشهور دارد که مضمون آن چنین است: احمق‌ها از تجربه خود می‌آموزند، در حالی که خردمندان از تجربه دیگران. بنابراین، برای مواجهه با بحران ارزی کشور، ضرورتی ندارد همه راه‌ها را از ابتدا تجربه کنیم.

تجربه آتش‌نشانان بحران مالی ۲۰۰۸ نشان می‌دهد که مدیریت بحران اقتصادی از عهده یک دستگاه به‌تنهایی برنمی‌آید. در آن بحران، اگرچه فدرال رزرو در خط مقدم قرار داشت، اما از حمایت وزارت خزانه‌داری، دولت، کنگره و سایر نهادها برخوردار بود. در بحران ارزی ایران نیز بانک مرکزی در خط مقدم قرار دارد؛ اما مسئله اصلی این است که چه نهادهایی و با چه ابزارهایی از سیاست‌های آن پشتیبانی می‌کنند.

راه‌حل ساده و اولیه برای مقابله با جهش نرخ ارز، مداخله بانک مرکزی در بازار است؛ مداخله‌ای که می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم انجام شود. اما این مداخله زمانی مؤثر است که بانک مرکزی از منابع ارزی کافی برخوردار باشد. به همین دلیل، اشاره رئیس کل بانک مرکزی به محدودیت‌های ارزی نکته مهمی است. نرخ ارز را مجموعه‌ای از عوامل تعیین می‌کند که درآمدهای ارزی و میزان دسترسی به آنها از مهم‌ترین این عوامل است. هنگامی که منابع ارزی محدود باشد و سیاست‌های ایالات متحده نیز در جهت محدودتر کردن دسترسی ایران به این منابع حرکت کند، فشار بر نرخ ارز افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی، نه فقط بانک مرکزی ایران، بلکه حتی قدرتمندترین بانک‌های مرکزی جهان نیز نمی‌توانند بدون دسترسی به منابع و ابزار کافی، نرخ ارز را به‌طور پایدار پایین نگه دارند.

به همین دلیل، کسانی که تصور می‌کنند اگر فرد دیگری به جای همتی در رأس بانک مرکزی قرار داشت، می‌توانست نرخ ارز را کنترل کند، بهتر است نگاهی به تجربه رؤسای پیشین بانک مرکزی در دولت‌های مختلف بیندازند؛ از دولت احمدی‌نژاد تا دولت مرحوم رئیسی. در کدام دوره، با وجود تفاوت در رویکردها و مدیران، نرخ ارز از فشارهای بنیادی اقتصاد مصون ماند و جهش‌های ارزی رخ نداد؟ تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد که مسئله نرخ ارز را نمی‌توان صرفاً با تغییر رئیس کل یا دستورهای اداری حل کرد. محدودیت منابع ارزی، تحریم‌ها و استفاده ابزاری ایالات متحده از دلار - چیزی که خودشان سلاح سازی از دلار می نامند - در سیاست خارجی، بخش مهمی از فشار بر اقتصاد ایران را توضیح می‌دهند.

ادامه در صفحه۳

کارشناسان اقتصادی در گفتگو با تازه های اقتصاد؛

شرط حفظ ثبات ارز در روزهای محاصره



گفت‌وگو

محدودیت منابع ارزی، کاهش درآمدهای نفتی و دشواری تأمین ارز، اقتصاد کشور را با چالش‌هایی در حوزه واردات، تأمین مواد اولیه و تداوم فعالیت بنگاه‌های تولیدی مواجه کرده است؛ کارشناسان اقتصادی با تأکید بر ضرورت شفاف‌سازی سیاست‌های ارزی، اولویت‌بندی تخصیص منابع، هدایت اعتبارات به بخش‌های حیاتی و استفاده از ظرفیت‌های داخلی و ابزارهای نوین مالی، مدیریت انتظارات و حمایت از تولید را از الزامات عبور از شرایط کنونی می‌دانند.



جمشید عدالتیان، اقتصاددان با اشاره به تأثیر شرایط بین‌المللی و محدودیت‌های ناشی از جنگ و تحریم بر منابع ارزی کشور گفت: در شرایط فعلی، یکی از نیازهای اصلی فعالان اقتصادی، اطلاع از چشم‌انداز پیش‌روی اقتصاد و برنامه دولت برای مدیریت شرایط است. انتظار می‌رود دولت و بانک مرکزی با تشریح وضعیت منابع ارزی و سیاست‌های پیش‌بینی‌شده، زمینه تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر مردم و تولیدکنندگان را فراهم کنند.

وی با بیان اینکه کاهش احتمالی درآمدهای ارزی و محدودیت در عرضه ارز می‌تواند بر قیمت‌ها و فعالیت‌های اقتصادی اثر بگذارد، اظهار کرد: آثار این شرایط تنها در بازار ارز نمایان نمی‌شود، بلکه قیمت مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و محصولات نیمه‌ساخته را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجه، برخی واحدهای تولیدی علاوه بر افزایش هزینه‌ها، برای تأمین مواد اولیه مورد نیاز خود نیز با دشواری مواجه می‌شوند.

این اقتصاددان با اشاره به مشکلات تولیدکنندگان در شرایط نوسان قیمت‌ها افزود: بنگاه‌های اقتصادی باید بتوانند برای خرید مواد اولیه، تعیین قیمت محصولات و ادامه فعالیت خود برنامه‌ریزی کنند. وقتی چشم‌انداز نرخ ارز مشخص نباشد، تصمیم‌گیری درباره هزینه‌های آینده و میزان تولید نیز دشوار می‌شود. از این رو، پیش‌بینی‌پذیری بازار برای حفظ استمرار فعالیت‌های تولیدی اهمیت زیادی دارد.

عدالتیان با تأکید بر ضرورت تبیین اولویت‌های ارزی کشور تصریح کرد: در شرایط محدودیت منابع، طبیعی است که دولت ناچار به اولویت‌بندی در تخصیص ارز باشد؛ اما در این فرآیند، علاوه بر کالاهای اساسی، باید نیاز صنایع به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای نیز مورد توجه قرار گیرد تا زنجیره تولید دچار اختلال نشود.

وی در ادامه به تأثیر شرایط جنگی و تحولات سیاست خارجی بر تصمیمات اقتصادی اشاره کرد و گفت: تصمیم‌گیری درباره مسائل سیاست خارجی و شرایط جنگ در اختیار مسئولان و نهادهای مربوط است و فعالان اقتصادی در این حوزه نقشی ندارند؛ اما آنچه برای بخش خصوصی اهمیت دارد، آگاهی از پیامدهای اقتصادی این شرایط است. اگر قرار است کشور برای یک دوره طولانی با محدودیت‌های بین‌المللی و فشارهای اقتصادی مواجه باشد، لازم است این چشم‌انداز برای تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی روشن شود.

عدالتیان همچنین با اشاره به تأثیر شرایط نه جنگ و نه صلح و تداوم محدودیت‌ها و محاصره اقتصادی بر وضعیت منابع ارزی کشور گفت: این شرایط باعث شده دسترسی به درآمدهای ارزی و انتقال منابع با دشواری بیشتری همراه شود و در نتیجه، مدیریت عرضه ارز و تأمین نیازهای وارداتی با پیچیدگی بیشتری مواجه شود. تداوم چنین وضعیتی، علاوه بر بازار ارز، بر تأمین مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و در نهایت هزینه تولید نیز اثر می‌گذارد. از این رو، لازم است با در نظر گرفتن احتمال تداوم این شرایط، برنامه‌ای روشن برای مدیریت منابع ارزی و حمایت از استمرار فعالیت‌های تولیدی تدوین شود.

این اقتصاددان افزود: برای مثال، اگر احتمال تداوم شرایط فعلی برای یک یا دو سال وجود دارد، بنگاه‌های اقتصادی باید بتوانند متناسب با آن برنامه‌ریزی کنند؛ از میزان تولید و ذخیره‌سازی مواد اولیه گرفته تا تصمیم‌گیری درباره سرمایه‌گذاری و هزینه‌های جاری. اطلاع از سناریوهای احتمالی، به فعالان اقتصادی کمک می‌کند به‌جای تصمیم‌گیری بر اساس حدس و گمان، با آمادگی بیشتری فعالیت کنند.

عدالتیان در پایان تأکید کرد: هدف از این مطالبه، ورود فعالان اقتصادی به تصمیمات سیاسی نیست؛ بلکه انتظار این است که دولت و بانک مرکزی با ارائه اطلاعات و ترسیم چشم‌انداز اقتصادی، مسیر پیش‌رو را برای مردم و تولیدکنندگان روشن‌تر کنند. چنین رویکردی می‌تواند به مدیریت انتظارات، کاهش سردرگمی در بازار و حفظ ظرفیت تولید کشور کمک کند.

بانک مرکزی مسئول جبران کاهش فروش نفت نیست



حسین درودیان، کارشناس مسائل پولی و بانکی با اشاره به حدود مداخله بانک مرکزی در شرایط جنگی، بر اولویت‌بندی تخصیص منابع ارزی و اعتباری، حمایت از تولید و اثربخشی سیاست‌های پولی و ارزی تاکید کرد و گفت: می‌توان سیاست پولی و سیاست ارزی را کاملاً از یکدیگر تفکیک کرد. در حوزه ارز، مسئله اصلی ما محدود شدن منابع ارزی است. این محدودیت، به‌طور مشخص، به معنای کاهش شدید فروش نفت و تقریباً به صفر رسیدن درآمدهای نفتی است که به‌خودی‌خود وضعیت بحرانی ایجاد می‌کند.

هرچقدر هم تلاش کنیم محاصره را بشکنیم و مسیرهای واردات کالا را حفظ کنیم، در شرایطی که درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت وجود ندارد، این وضعیت به فشار بر قیمت ارز منجر می‌شود. به همین دلیل، معتقدم اولویت نخست بانک مرکزی باید حفظ منابع ارزی لازم برای واردات کالاهای اساسی، از جمله غذا، دارو و تجهیزات پزشکی باشد.

فراتر از تامین این اولویت، منابع ارزی موجود می‌تواند برای واردات سایر کالاها یا مدیریت قیمت ارز تخصیص پیدا کند. البته کنترل قیمت ارز در چنین شرایطی لزوماً به معنای جلوگیری از افزایش آن نیست، بلکه می‌تواند فقط به معنای هموار کردن مسیر افزایشی نرخ ارز و جلوگیری از نوسانات شدید باشد.

اما در حوزه پولی، معتقدم بانک مرکزی ناگزیر است رویکردی انبساطی در پیش بگیرد. به‌ویژه اینکه دغدغه اصلی این نهاد باید بیش از سیاست پولی، معطوف به سیاست‌های اعتباری باشد. به این معنا که بخش‌هایی از اقتصاد که کالاهای ضروری تولید می‌کنند یا خدمات حیاتی ارائه می‌دهند، باید از دسترسی به سرمایه در گردش مورد نیاز خود اطمینان داشته باشند. این موضوع باید اولویت بانک مرکزی در حوزه اعتباری باشد. به اعتقاد من، بانک مرکزی در چنین شرایطی ناچار است تا حدی از محدودیت‌های اعمال‌شده بر رشد نقدینگی بکاهد تا بتواند این هدف را محقق کند.

ما ابزارهایی در اختیار داریم که تاکنون تقریباً از آنها استفاده نکرده‌ایم. در شرایط فعلی، به نوعی جیره‌بندی اعتباری نیاز داریم که منابع را به سمت بخش‌هایی هدایت کند که بیشترین اولویت را در حفظ و بازتولید شرایط موجود دارند.

باید برای فعالیت‌هایی که جنبه مولد ندارند، محدودیت‌های اعتباری در نظر بگیریم. حتی فعالیت‌هایی که مولد هستند، اما ماهیت سرمایه‌گذاری بلندمدت دارند و قرار است در آینده به اقتصاد خدمت کنند، در شرایط فعلی باید با محدودیت‌هایی مواجه شوند. در مقابل، لازم است منابع اعتباری به سمت فعالیت‌هایی هدایت شوند که ماهیت سرمایه در گردش دارند و در بخش‌های اولویت‌دار اقتصادی انجام می‌شوند؛ بخش‌هایی که برای دوام و بقای جامعه و اقتصاد ما اهمیت اساسی دارند.

بنابراین، ابزار مورد نیاز در این شرایط، سهمیه‌بندی بخشی اعتبارات بر اساس اولویت‌های اقتصادی است. باید مشخص کنیم کدام فعالیت و کدام بخش، با توجه به اهمیت کالایی که تولید می‌کند، در اولویت قرار دارد. برای مثال، تولیدکنندگان مواد غذایی، دارو و کالاها و خدمات مرتبط با حوزه پزشکی از اولویت بسیار بالایی برخوردارند. این بخش‌ها باید بیشترین دسترسی را به اعتبارات داشته باشند و پس از آن می‌توان سایر بخش‌ها را بر اساس میزان اهمیت و ضرورت فعالیتشان طبقه‌بندی کرد.

در واقع، این نوعی سیاست اعتباری است که به نظر من در شرایط فعلی از سیاست پولی اهمیت بیشتری دارد. اگر اجرای این سیاست اعتباری پیامدهایی از جنس افزایش نقدینگی یا پایه پولی داشته باشد، باید آن را بپذیریم؛ چراکه نمی‌توانیم تولید کشور و اشتغال در بخش‌های اصلی اقتصادی را معطل بگذاریم یا برای دستیابی به یک هدف مشخص در زمینه کنترل پایه پولی و نقدینگی، آنها را فدا کنیم.

به نظر من، ابزارهایی که بانک مرکزی برای کنترل نوسانات در کوتاه‌مدت در اختیار دارد، تنها و تنها ابزار نرخ بهره است. به عبارت دیگر، بانک مرکزی صرفاً از طریق تغییر نرخ بهره می‌تواند بر نوسانات اثر بگذارد. البته این سیاست ذاتاً کند است و قدرت اثرگذاری سریع و شدیدی ندارد. اما سیاست‌هایی مانند کنترل پایه پولی یا نقدینگی، به نظر من، تأثیری در حل مسئله اصلی ندارند. در نهایت، همان‌طور که اشاره کردم، مسئله اصلی ما منابع ارزی است و باید به فکر بهبود و افزایش این منابع باشیم. توان بانک مرکزی برای جبران بی‌ثباتی‌هایی که از صفر شدن فروش نفت ناشی می‌شود، محدود است. بانک مرکزی نهادی نیست که بتواند تبعات چنین اتفاقی را جبران کند. ما باید نفت بفروشیم؛ اگر نمی‌توانیم نفت بفروشیم، کم‌وبیش وضعیت اقتصادی‌مان همین خواهد بود و بانک مرکزی، به نظر من، نمی‌تواند معجزه‌ای انجام دهد.

محدودیت منابع ارزی به معنای بن‌بست اقتصادی نیست

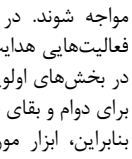

محمدرضا رنجبر فلاح، اقتصاددان، با اشاره به کاهش درآمدهای ارزی کشور در پی محدودیت‌های ایجادشده در صادرات نفت گفت: اگرچه اقتصاد کشور در شرایط فعلی با محدودیت منابع ارزی مواجه است؛ اما این مسئله به معنای بن‌بست اقتصادی نیست و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود اتخاذ راهکارهای نوین و هماهنگی میان نهادهای اقتصادی می‌توان شرایط فعلی را مدیریت کرد.

وی افزود: اقتصاد ایران در سال‌های گذشته نیز بارها با شرایط تحریمی و محدودیت‌های مختلف مواجه بوده و همواره با استفاده از ظرفیت‌های داخلی توانسته است این شرایط را مدیریت کند. اگرچه فشارهای کنونی شدت بیشتری پیدا کرده است؛ اما نباید آن را به معنای فروپاشی اقتصادی تعبیر کرد.

رنجبر فلاح با اشاره به ضرورت بهره‌گیری از منابع ارزی موجود در جامعه گفت: بخشی از ارزهای در اختیار مردم با هدف حفظ قدرت خرید نگهداری می‌شود و در حال حاضر در چرخه فعالیت‌های اقتصادی قرار ندارد. می‌توان با طراحی ابزارهای مناسب از سوی بانک مرکزی و با همکاری شبکه بانکی و بازار سرمایه، زمینه مشارکت این منابع در فعالیت‌های اقتصادی را فراهم کرد تا بخشی از نیازهای ضروری کشور از این طریق تأمین شود.

این اقتصاددان با تأکید بر ضرورت توسعه ابزارهای سرمایه‌گذاری جایگزین ارز و طلا افزود: افرادی که برای حفظ ارزش دارایی‌های خود به سمت خرید ارز و طلا حرکت می‌کنند، نیازمند ابزارهای متنوع و قابل اطمینانی هستند که بتوانند قدرت خرید خود را از طریق آن‌ها حفظ کنند. در این زمینه، کشور از ظرفیت‌های گسترده‌ای در حوزه معادن و ذخایر زیرزمینی برخوردار است که می‌توان با ارزش‌گذاری آن‌ها، اوراق مبتنی بر این دارایی‌ها را در قالب ابزارهای دیجیتال و توکن‌سازی به مردم عرضه کرد.

وی ادامه داد: منابع حاصل از فروش این اوراق می‌تواند برای احیا و توسعه معادن و فعال‌سازی ظرفیت‌های اقتصادی کشور به کار گرفته شود. به این ترتیب، هم مردم به ابزار جدیدی برای سرمایه‌گذاری و حفظ قدرت خرید دسترسی پیدا می‌کنند و هم منابع مالی به سمت دارایی‌های مولد هدایت می‌شود. این اقدام علاوه بر کاهش فشار تقاضا در بازار ارز و طلا، زمینه افزایش سرمایه‌گذاری، تولید، اشتغال و ارزش افزوده اقتصادی را فراهم می‌کند.

ضرورت مدیریت فضای روانی و انتظارات تورمی

رنجبر فلاح با اشاره به ظرفیت بخش‌های مختلف اقتصادی برای کاهش فشارهای تورمی تصریح کرد: بخش مسکن، راه‌سازی و حمل‌ونقل و همچنین کشاورزی از جمله حوزه‌هایی هستند که می‌توانند نقش مؤثری در تقویت تولید داخلی داشته باشند. این بخش‌ها با اتکا به ظرفیت‌های داخلی، امکان افزایش عرضه کالا و خدمات، ایجاد اشتغال و کاهش وابستگی به واردات را دارند. بنابراین، ضروری است منابع مالی کشور به سمت فعالیت‌هایی هدایت شود که بیشترین بازدهی و اثرگذاری را بر رشد اقتصادی دارند.

این اقتصاددان همچنین با اشاره به اهمیت مدیریت انتظارات و مقابله با آثار روانی تحریم‌ها گفت: بخش قابل توجهی از فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها از طریق انتظارات و فضای روانی به اقتصاد منتقل می‌شود. در واقع، یکی از اهداف فشارهای خارجی این است که با ایجاد نگرانی و ارسال پیام‌های نادرست، تصمیم‌گیری مردم و فعالان اقتصادی تحت تأثیر قرار گیرد. ازاین‌رو، افزایش آگاهی عمومی نسبت به این موضوع و اتخاذ سیاست‌های اقتصادی هوشمندانه و هماهنگ می‌تواند در کاهش آثار روانی تحریم‌ها بسیار مؤثر باشد.

وی افزود: لازم است مردم با آگاهی بیشتری نسبت به روش‌های حفظ ارزش دارایی‌های خود تصمیم‌گیری کنند؛ چراکه افزایش تقاضای هیجانی برای ارز می‌تواند به تشدید فشار بر بازار ارز و کاهش ارزش پول ملی منجر شود. در مقابل، معرفی ابزارهای سرمایه‌گذاری جایگزین، از جمله اوراق مبتنی بر دارایی‌های واقعی، می‌تواند ضمن حفظ قدرت خرید مردم، منابع مالی را به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی هدایت کند.

رنجبر فلاح با اشاره به ضرورت مدیریت بهینه منابع ارزی و اولویت‌بندی واردات کشور گفت: در شرایطی که منابع ارزی با محدودیت مواجه است، طبیعی است که تخصیص این منابع باید با اولویت نیازهای اساسی و حیاتی کشور انجام شود. کالاهای اساسی، مواد اولیه مورد نیاز تولید و اقلام ضروری باید در اولویت قرار گیرند و در مقابل، واردات کالاهای لوکس و غیرضروری متناسب با شرایط ارزی کشور مدیریت شود. در این زمینه، اقدامات و هماهنگی‌های بانک مرکزی، وزارت صمت، وزارت جهاد کشاورزی و سایر دستگاه‌های مرتبط برای اولویت‌بندی تخصیص ارز اهمیت ویژه‌ای دارد.

ظرفیت ذخایر طلا برای تقویت تجارت

وی در ادامه با اشاره به ظرفیت ذخایر طلای بانک مرکزی برای تسهیل مبادلات تجاری اظهار کرد: بانک مرکزی در سال‌های گذشته با توجه به شرایط خاص نقل‌وانتقال ارز و به‌منظور تقویت پشتوانه‌های دارایی کشور، از ظرفیت طلا استفاده کرده است. اکنون نیز می‌توان با طراحی ابزارهای مالی نوین، از این ذخایر ارزشمند برای تسهیل مبادلات تجاری و توسعه روش‌های جایگزین مبادلات ارزی بهره گرفت.

این اقتصاددان توضیح داد: یکی از پیشنهادهای قابل بررسی، تبدیل بخشی از ظرفیت ذخایر طلای بانک مرکزی به اوراق دیجیتال و گواهی‌های قابل مبادله در بازار ارز و طلاست. این اوراق با پشتوانه طلا منتشر می‌شود و می‌تواند به‌عنوان ابزاری جدید در مبادلات تجاری مورد استفاده قرار گیرند.

رنجبر فلاح افزود: بانک مرکزی می‌تواند با طراحی سازکارهای اجرایی و مقرراتی لازم، امکان استفاده از این اوراق را برای واردکنندگان فراهم کند تا آن‌ها بتوانند به جای استفاده مستقیم از ارز، از این ابزار برای تأمین کالاهای مورد نیاز کشور بهره بگیرند. در سوی دیگر، صادرکنندگان نیز می‌توانند با دریافت این اوراق، آن را در مبادلات مربوط به خرید کالاهای صادراتی ایران از جمله محصولات پتروشیمی، شیمیایی، مس و سایر محصولات معدنی مورد استفاده قرار دهند.

وی ادامه داد: مزیت این روش آن است که ذخایر طلای بانک مرکزی به‌عنوان پشتوانه محفوظ می‌ماند، اما گواهی‌های مبتنی بر آن در چرخه مبادلات تجاری قرار می‌گیرند و کارکردی مشابه ابزار مبادله پیدا می‌کنند. در نتیجه، می‌توان بخشی از نیازهای وارداتی و صادراتی کشور را از طریق این ابزار تأمین کرد و وابستگی مبادلات تجاری به دلار را کاهش داد.

این اقتصاددان در پایان با تأکید بر ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی و ابزارهای نوین اقتصادی خاطرنشان کرد: عبور موفق از شرایط کنونی مستلزم هماهنگی و هم‌افزایی میان بانک مرکزی، شبکه بانکی، بازار سرمایه و دستگاه‌های اجرایی است. بازگرداندن منابع ارزی راکد به چرخه اقتصاد، توسعه ابزارهای سرمایه‌گذاری مبتنی بر دارایی‌های واقعی، مولدسازی ذخایر و ظرفیت‌های معدنی، حمایت از بخش‌های پیشران، مدیریت هوشمندانه واردات و استفاده از ظرفیت ذخایر طلای بانک مرکزی در مبادلات تجاری، از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند به مدیریت محدودیت‌های ارزی کمک کنند.

دسترسی دشوار به منابع ارزی



حسن مرادی کارشناس انرژی با اشاره به تأثیر محدودیت‌های صادرات نفت بر درآمدهای ارزی کشور اظهار کرد: اینکه گفته شود صادرات نفت ایران به‌طور کامل متوقف شده، شاید تعبیر دقیقی نباشد. ما با وجود همه مشکلات، همچنان تا حدودی صادرات داریم و تلاش می‌کنیم با استفاده از مسیرهای جایگزین و ظرفیت‌های موجود، از شرایط فعلی عبور کنیم.

وی افزود: خوشبختانه دولت در مدت اخیر ترتیباتی را فراهم کرده و ما با ۱۵ کشور همسایه مراودات تجاری داریم. همچنین ارتباط با مشتریان سابق و کشورهایی که پیش‌تر با آنها همکاری داشته‌ایم، همچنان ادامه دارد و بخشی از این مبادلات از طریق مرزهای مشترک انجام می‌شود.

این کارشناس با بیان اینکه بخشی از نیازهای کشور از طریق این مبادلات تأمین می‌شود، تصریح کرد: با وجود دشواری‌های موجود، توانسته‌ایم بخشی از نیازهای وارداتی خود را تأمین کنیم و درآمد ارزی مناسبی نیز به دست آوریم. امیدواریم دولت با تمهیدات بیشتر و رایزنی‌های خارجی بتواند شرایط بهتری برای آینده اقتصاد کشور فراهم کند. مرادی درباره پیامدهای محدودیت دسترسی به منابع ارزی حاصل از صادرات نفت گفت: نخستین پیامد این وضعیت، کاهش درآمدهای ارزی کشور است؛ با این حال، ابزارهایی مانند تتر و سایر ظرفیت‌های مبادلاتی در تأمین بخشی از نیازهای ارزی به ما کمک کرده‌اند.

وی ابراز امیدواری کرد که با تغییر شرایط سیاسی و پایان یافتن وضعیت تنش و درگیری، زمینه خروج کشور از محدودیت‌های فعلی فراهم شود و افزود: امیدواریم طی یکی دو ماه آینده تکلیف شرایط روشن شود و کشور بتواند از این وضعیت خارج شود. دولت نیز در حال تلاش برای تغییر شرایط است و در این مسیر، مقاومت، پایداری و تلاش بیشتر مردم اهمیت دارد.

مرادی در ادامه درباره افزایش نرخ ارز و عوامل مؤثر بر آن اظهار کرد: کاهش درآمدهای ارزی و محدودیت دسترسی به منابع حاصل از صادرات نفت می‌تواند یکی از عوامل افزایش نرخ ارز باشد، اما تمام ماجرا به این موضوع محدود نمی‌شود.

وی با اشاره به نقش واسطه‌گری و فعالیت‌های سوداگرانه در بازار ارز گفت: از همان ابتدا نوعی شبکه دلالی در بازار ارز شکل گرفته است. برخورد با افرادی مانند جمشید بسم‌الله تنها نمونه‌ای از این مسئله بود و نمی‌توان با برخورد با چند فرد تصور کرد که ریشه این مشکلات از بین رفته است. این کارشناس در پایان با انتقاد از فعالیت‌های سوداگرانه در بازار رمزارزها خاطرنشان کرد: دولت باید در کنار مقابله با فعالیت‌های مخرب و سوداگرانه، برای مدیریت بازار و تشویق فعالیت‌های اقتصادی سالم نیز برنامه داشته باشد. به هر حال، راهی جز تلاش برای خروج از شرایط فعلی و بهبود وضعیت اقتصادی کشور وجود ندارد.

پشت صحنه جهش دلار در روزهای حصر اقتصاد



ادامه تیتریک بازار ارز ایران به‌شدت تحت تأثیر انتظارات تورمی قرار دارد. تجربه تورم‌های مزمن و کاهش قدرت خرید پول ملی موجب شده است که ارز و طلا برای بخشی از خانوارها و فعالان اقتصادی به ابزار حفظ ارزش دارایی تبدیل شوند. در چنین شرایطی، هر تحول سیاسی یا اقتصادی که چشم‌انداز آینده را مبهم‌تر کند، می‌تواند تقاضای احتیاطی را افزایش دهد.

تشدید تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی نیز از همین مسیر بر بازار اثر می‌گذارد. هنگامی که اخبار مربوط به محدود شدن صادرات، دشواری انتقال درآمدهای ارزی یا افزایش هزینه تجارت خارجی منتشر می‌شود، بازار احتمال کاهش منابع قابل استفاده و افزایش هزینه‌های آینده را در محاسبات خود لحاظ می‌کند.

البته تورم مزمن، رشد نقدینگی، کسری بودجه، ناترازی شبکه بانکی و بی‌ثباتی برخی تصمیمات اقتصادی نیز از عوامل داخلی مؤثر بر کاهش ارزش پول ملی هستند و از این منظر نادیده گرفتن این متغیرها به همان اندازه نادرست است که اثر محدودیت‌های خارجی و فشار بر منابع ارزی کشور را انکار کنیم.

تحریم‌ها و محدودیت‌های خارجی بخشی از واقعیت اقتصاد ایران هستند، اما کیفیت سیاست‌گذاری داخلی نیز تعیین می‌کند که این فشارها با چه شدتی به بازار ارز، تورم و معیشت مردم منتقل شوند. در چنین فضایی، ارائه تحلیل‌های غیرمستند، بزرگ‌نمایی مشکلات یا معرفی همه تحولات بازار به‌عنوان نشانه بن‌بست اقتصادی، کمکی به حل مسئله نمی‌کند. هرچند نقد سیاست‌های اقتصادی و مطالبه پاسخ‌گویی از مسئولان ضروری است، اما نباید با تحلیل‌های یک‌سویه و آدرس غلط دادن، ناخواسته در زمین دشمن بازی کرد. در شرایط فشار اقتصادی خارجی، آنچه اهمیت دارد، تفکیک دقیق واقعیت‌ها از فضاسازی‌ها و ارائه راهکارهای عملی برای کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد است.

ماموریت دشوار بانک مرکزی

یادداشت اخیر عبدالناصر همتی، رئیس‌کل بانک مرکزی، خطاب به مردم، حاوی نکات مهمی درباره وضعیت ارزی کشور و رویکرد سیاست‌گذار پولی برای مدیریت شرایط فعلی است. او در این یادداشت با اشاره به فشار گرانی و بی‌ثباتی بر زندگی مردم، بر مسئولیت بانک مرکزی در حفظ قدرت خرید و مدیریت شرایط اقتصادی تأکید کرده است. او در عین حال، محدودیت‌های ناشی از فشارهای خارجی و دشواری دسترسی به منابع ارزی را مورد توجه قرار داده و تأکید کرده است که نباید محدودیت را با بن‌بست اشتباه گرفت. یکی از نکات مهم یادداشت رئیس‌کل بانک مرکزی، اعلام تأمین بیش از ۳۲ میلیارد دلار ارز برای واردات رسمی کشور است. این رقم نشان می‌دهد که با وجود محدودیت‌های خارجی، جریان تأمین ارز برای نیازهای وارداتی کشور ادامه داشته است و استمرار این جریان برای تأمین مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای، دارو و کالاهای اساسی و همچنین حفظ فعالیت واحدهای تولیدی اهمیت زیادی دارد.

همتی همچنین از برخورداری بانک مرکزی از ذخایر کافی اسکناس ارزی و آمادگی این بانک برای مداخله مؤثر در بازار خبر داده است. با این حال، تأکید او بر مداخله هدفمند و پرهیز از مصرف بی‌محابای ذخایر، نشان می‌دهد که سیاست‌گذار قصد دارد میان مدیریت نوسانات کوتاه‌مدت و حفظ منابع ارزی برای نیازهای آینده تعادل برقرار کند.

پیام دیگر یادداشت رئیس‌کل بانک مرکزی، ضرورت هماهنگی سیاست‌های اقتصادی برای مهار تورم و حفظ قدرت خرید مردم است. این تأکید از آن جهت اهمیت دارد که بازار ارز تنها تحت تأثیر تصمیمات بانک مرکزی قرار ندارد و سیاست‌های بودجه‌ای، تجاری، مالی و تولیدی دولت نیز بر روند عرضه و تقاضای ارز اثرگذار هستند. به عبارت دیگر، بانک مرکزی می‌تواند با ابزارهای پولی و ارزی خود از شدت نوسانات بکاهد، اما بازگرداندن ثبات پایدار به بازار به همکاری همه دستگاه‌های اقتصادی نیاز دارد.

مدیریت هوشمند عرضه ارز

در شرایط فعلی، یکی از مهم‌ترین وظایف بانک مرکزی مدیریت منابع ارزی و استفاده هدفمند از ابزارهای مداخله است. تزریق ارز به بازار در مقاطع افزایش تقاضا می‌تواند به تعدیل نوسانات کمک کند، اما اگر این اقدام بدون توجه به شرایط بنیادی اقتصاد و انتظارات تورمی انجام شود، اثر آن ممکن است کوتاه‌مدت باشد. بانک مرکزی باید میان تقاضای واقعی اقتصاد و تقاضای احتیاطی و سفته‌بازانه تفکیک قائل شود. تأمین ارز مورد نیاز واردات، مواد اولیه و کالاهای ضروری باید استمرار داشته باشد و در عین حال، با استفاده از ابزارهای نظارتی و معاملاتی، از شکل‌گیری تقاضای غیرضروری و فعالیت‌های اخلالگرانه جلوگیری شود. در این مسیر، مدیریت بازار توافقی و مرکز مبادله ارز و طلای ایران، تسهیل عرضه ارز صادراتی و استفاده از ظرفیت‌های مختلف برای بازگشت منابع ارزی اهمیت دارد. هرچه سازوکار عرضه ارز برای صادرکنندگان شفاف‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر باشد، امکان افزایش عرضه رسمی و کاهش فشار بر بازار غیررسمی نیز بیشتر خواهد شد.

دولت و بانک مرکزی در یک سنگر

بازار ارز فقط با ابزارهای بانک مرکزی مدیریت نمی‌شود و بخش مهمی از عوامل مؤثر بر عرضه ارز و انتظارات تورمی، در حوزه مسئولیت دولت و دستگاه‌های اقتصادی قرار دارد. به همین دلیل، تأکید همتی بر هماهنگی سیاست‌های اقتصادی را باید یکی از محورهای اصلی برنامه مهار التهاب ارزی دانست.

نخستین مسئولیت دولت، انضباط بودجه‌ای است. با توجه به محدودیت منابع ارزی و ضرورت کنترل تورم، تدوین بودجه سال ۱۴۰۶ باید با پرهیز از تعهدات مالی بدون پشتوانه و اتکا به منابع غیرقابل تحقق انجام شود. هرگونه افزایش کسری بودجه و تأمین آن از مسیرهای پولی یا تحمیل فشار بر شبکه بانکی، می‌تواند به رشد نقدینگی و افزایش تقاضای دارایی‌های جایگزین منجر شود.

دومین موضوع، حفظ ظرفیت صادراتی کشور است. وزارتخانه‌های اقتصادی و دستگاه‌های مسئول تجارت خارجی باید برای کاهش هزینه‌های صادرات، تسهیل مبادلات و رفع موانع غیرضروری پیش روی صادرکنندگان برنامه مشخص داشته باشند چرا که در شرایط محدودیت خارجی، حفظ بازارهای صادراتی و جلوگیری از اختلال در جریان تجارت، اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند.

سومین مسئولیت دولت، هماهنگی سیاست‌های تجاری با سیاست ارزی بانک مرکزی است. مقررات متغیر، بخشنامه‌های ناگهانی و تصمیمات غیرقابل پیش‌بینی می‌توانند هزینه فعالیت صادرکنندگان و واردکنندگان را افزایش دهند و به نااطمینانی در بازار دامن بزنند. سیاست تجاری باید به گونه‌ای تنظیم شود که ضمن مدیریت منابع ارزی، انگیزه فعالیت اقتصادی و بازگشت ارز حاصل از صادرات حفظ شود.

چهارمین محور، اصلاح ناترازی‌های اقتصادی و بانکی است. دولت و البته مجلس باید از تحمیل تکالیف مالی بدون تأمین منابع به شبکه بانکی پرهیز کند و در کنار بانک مرکزی، اصلاح ساختار مالی بانک‌ها و کنترل رشد نقدینگی را دنبال کند. ثبات ارزی بدون مهار عوامل داخلی تورم امکان‌پذیر نیست.

پنجمین موضوع، دیپلماسی اقتصادی و تلاش برای کاهش محدودیت‌های خارجی است. افزایش هزینه انتقال پول و دشواری دسترسی به درآمدهای صادراتی، بخشی از منابع کشور را درگیر هزینه‌های مبادلاتی می‌کند. گسترش مسیرهای تجاری و مالی و کاهش محدودیت‌های بانکی می‌تواند ظرفیت دسترسی اقتصاد به منابع ارزی را افزایش دهد.

چرا تزریق ارز به‌تنهایی کافی نیست؟

یکی از پرسش‌های اصلی در شرایط فعلی این است که آیا بانک مرکزی می‌تواند با افزایش عرضه ارز، قیمت دلار را از محدوده ۳۰۰ هزار تومان پایین بیاورد؟ پاسخ به این پرسش به منشأ افزایش قیمت و وضعیت متغیرهای بنیادی بستگی دارد. اگر بخشی از افزایش نرخ ناشی از تقاضای هیجانی و اختلال مقطعی در عرضه باشد، مداخله هدفمند می‌تواند به کاهش نوسانات کمک کند. اما اگر انتظارات تورمی، محدودیت دسترسی به منابع ارزی و نااطمینانی اقتصادی همچنان پابرجا باشند، تزریق ارز به‌تنهایی نمی‌تواند روند بازار را به شکل پایدار تغییر دهد.

در چنین شرایطی، حتی افزایش عرضه ارز نیز ممکن است صرفاً به تخلیه بخشی از تقاضای انباشته‌شده منجر شود، بدون آنکه انتظارات بازار تغییر اساسی کند. به همین دلیل، مداخله ارزی باید در کنار سیاست‌های پولی، مالی و تجاری قرار گیرد. نکته دیگر آن است که نباید تمام تقاضای بازار آزاد را به فعالیت‌های سوداگرانه نسبت داد. بخشی از تقاضا ناشی از نگرانی مردم درباره حفظ ارزش دارایی‌ها و بخشی نیز مربوط به نیازهای واقعی بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی است. سیاست‌گذار برای مدیریت مؤثر بازار باید این تقاضاها را از یکدیگر تفکیک کند.

ترمز دلار چگونه کشیده می‌شود؟

بازگشت ثبات به بازار ارز، پیش از هر چیز به هماهنگی سیاست‌های اقتصادی نیاز دارد. بانک مرکزی باید مدیریت هوشمندانه منابع ارزی، تأمین مستمر نیازهای وارداتی، مداخله هدفمند و کنترل عوامل پولی تورم را دنبال کند. دولت نیز باید با انضباط بودجه‌ای، حمایت از ظرفیت صادراتی، ثبات مقررات تجاری و تلاش برای کاهش محدودیت‌های خارجی، زمینه را برای اثربخشی سیاست‌های بانک مرکزی فراهم کند.

در این میان، مدیریت انتظارات تورمی اهمیت ویژه‌ای دارد. بازار ارز تنها به میزان عرضه امروز نگاه نمی‌کند، بلکه درباره توان اقتصاد برای تأمین نیازهای ارزی فردا نیز قضاوت می‌کند. بنابراین، اعلام برنامه‌های روشن، انتشار اطلاعات معتبر و پرهیز از تصمیمات متناقض می‌تواند به کاهش نااطمینانی کمک کند.

واقعیت این است که فشار خارجی بر اقتصاد ایران قابل انکار نیست، اما نحوه مواجهه با این فشارها نیز اهمیت تعیین‌کننده‌ای دارد. نمی‌توان محدودیت‌های صادراتی و مشکلات انتقال ارز را نادیده گرفت و همه مسائل را به متغیرهای داخلی نسبت داد؛ همان‌طور که نمی‌توان از ضرورت اصلاح سیاست‌های پولی، مالی و تجاری چشم‌پوشی کرد. جهش این روزهای قیمت دلار محصول تلاقی همین عوامل است؛ از محدودیت منابع و دسترسی ارزی گرفته تا انتظارات تورمی و ناترازی‌های داخلی. در نتیجه، نسخه بازگشت ثبات نیز باید چندوجهی باشد. ترمز رشد قیمت ارز زمانی کشیده می‌شود که دولت و بانک مرکزی در کنار هم برای شکست کارزار طرد اقتصادی یک برنامه هماهنگ برای مدیریت منابع ارزی، حفظ جریان صادرات، تأمین نیازهای واقعی اقتصاد و مهار تورم اجرا کنند. افزون بر اینکه سایر دستگاه‌های حاکمیتی هم در کنار دولت و سیاستگذار ارزی باید به گونه‌ای تصمیم بگیرند که جلوی تشدید انتظارات ناشی از تحولات در حوزه سیاست خارجی گرفته شود. شکست کارزار طرد اقتصادی ایران، نیازمند یک همگرایی و همکاری ملی و تمام عیار است و در این وضعیت دشوار و پیچیده؛ غلبه نگاه‌های سیاسی و جناحی با رویکرد انکار واقعیت‌ها و اعمال فشار بر دولت و بانک مرکزی، راهشگا نخواهد بود.

خبر

افزایش خرید ارز با کارت بازرگانی به ۲۰ هزار دلار از فردا

بانک مرکزی در راستای مدیریت بازار، امکان خرید ارز تا سقف معادل ۲۰ هزار دلار برای اشخاص حقوقی دارای کارت بازرگانی را از فردا فراهم کرد.

بانک مرکزی در راستای مدیریت بازار ارز و پوشش افزایش هزینه‌های جانبی تجارت و نیاز تجاری انتهای سال میلادی تجار و واردکنندگان، اقدام به افزایش عرضه ارز به اشخاص حقوقی می کند.

بر این اساس، اشخاص حقوقی دارای کارت بازرگانی می‌توانند از فردا تا سقف معادل ۲۰ هزار دلار از شعب منتخب بانک‌های ملی ایران، ملت، تجارت، صادرات و سامان اقدام به خرید کنند.

مصرف گاز کشور افزایشی شد

به نقل از وزارت نفت، مصرف گاز کشور در بخش خانگی، تجاری و صنایع جزء روز شنبه (هفتم آذر)، با طی روند افزایشی در مقایسه با هفته پیش به ۴۲۲ میلیون مترمکعب رسید و ۶۰ درصد از تولید روزانه گاز کشور را به خود اختصاص داد.

آمار شرکت ملی گاز ایران نشان می‌دهد از مجموع ۶۹۹ میلیون مترمکعب گاز تولیدی کشور، ۴۲۲ میلیون مترمکعب در بخش خانگی، تجاری و صنایع جزء مصرف شده است.

مقدار مصرف با توجه به کاهش نسبی دما در مقایسه با مدت مشابه هفته پیش (یکشنبه، یکم آذر) که ۴۱۵ میلیون مترمکعب بود، افزایش ۷ میلیون مترمکعبی را نشان می‌دهد.

انتظار می‌رود با توجه به پیش‌بینی هواشناسی مبنی بر کاهش دما، روند افزایشی مصرف گاز کشور در بخش خانگی، تجاری و صنایع تداوم داشته باشد. پویش «۱۸ تا ۲۰ درجه» با هدف صرفه‌جویی در مصرف گاز آغازبه‌کار کرده است. در این پویش، تنظیم دمای محیط بین ۱۸ تا ۲۰ درجه سانتی‌گراد به‌عنوان دمای مطلوب برای مدیریت مصرف انرژی توصیه شده است. حتی یک درجه کاهش دمای وسایل گرمایشی می‌تواند میلیون‌ها مترمکعب در مصرف روزانه گاز صرفه‌جویی و به‌جای مصرف غیرضروری، به تولید، اشتغال و آینده کشور کمک کند.

لجستیک بانک مرکزی در بحران ارزی کجاست؟

ادامه یادداشت رئیس کل بانک مرکزی در یادداشت خود به نکته مهم دیگری نیز اشاره کرده است: ثبات اقتصادی مسئولیت همه دستگاه‌هاست، نه فقط بانک مرکزی. اینجاست که باید پرسید دستگاه‌هایی که می‌توانند نقش پشتیبان و لجستیک سیاست ارزی را ایفا کنند، کجا هستند؟ سیاست ارزی بدون همراهی سیاست مالی، وزارت نفت، دستگاه‌های تجاری، نهادهای مسئول بازگشت ارز صادراتی و دستگاه دیپلماسی، نمی‌تواند به تنهایی به ثبات برسد. بانک مرکزی ممکن است در خط مقدم ایستاده باشد، اما تأمین منابع، رفع موانع دسترسی به ارز، هماهنگی تصمیمات اقتصادی و کاهش فشارهای بیرونی، در اختیار یک نهاد نیست. مسئله فقط این نیست که بانک مرکزی چگونه ارز را مدیریت می‌کند؛ مسئله این است که چه کسانی و با چه امکاناتی به پشتیبانی آن آمده‌اند. در جنگ، نیروی خط مقدم بدون لجستیک دوام نمی‌آورد؛ در بحران ارزی نیز بانک مرکزی بدون پشتیبانی سایر دستگاه‌ها نمی‌تواند به تنهایی بار ثبات اقتصادی را به دوش بکشد.

آدرس غلط به مردم با اتهام به بانک مرکزی



کلان

هم‌زمان با افزایش نرخ ارز و عرضه اوراق سلف سکه با نماد «عسکه»، برخی ادعاها درباره ارتباط این دو اتفاق مطرح شده است؛ ادعاهایی که بر اساس آنها، بانک مرکزی برای فروش گران‌تر اوراق سلف سکه، نرخ ارز را افزایش داده است. این موضوع در حالی مطرح می شود که کارشناسان بازار سرمایه بر این عقیده هستند که منابع حاصل از عرضه این اوراق در مقایسه با ابعاد فعالیت بانک مرکزی ناچیز است و منطقی نیست این نهاد برای کسب چنین درآمدی، اعتبار خود را به خطر بیندازد. در مقابل، تحریم‌ها، محدودیت‌های ارزی و شرایط اقتصادی کشور از جمله عواملی هستند که باید در تحلیل نوسانات نرخ ارز مورد توجه قرار گیرند.

اعتبار بانک مرکزی برای چند همت به خطر نمی‌افتد

علی جبل‌عاملی، کارشناس بازار سرمایه، با رد ارتباط مستقیم افزایش نرخ ارز و عرضه اوراق سلف سکه اظهار کرد: حجم منابع حاصل از فروش این اوراق در مقایسه با ابعاد فعالیت بانک مرکزی و اقتصاد کشور بسیار ناچیز است و بعید به نظر می‌رسد بانک مرکزی برای کسب چنین رقمی، اعتبار خود را زیر سؤال ببرد.

وی افزود: اگر منابع حاصل از این عرضه را حدود ۱۰ همت در نظر بگیریم، این رقم حتی در مقایسه با منابع برخی صندوق‌های بزرگ درآمد ثابت بازار سرمایه نیز قابل‌توجه نیست. برای درک بهتر ابعاد این مبلغ، می‌توان آن را با ارزش یک ساختمان اداری نه‌چندان بزرگ مقایسه کرد. بنابراین، منطقی نیست بانک مرکزی برای جذب چنین حجمی از منابع، اعتماد عمومی به خود را با دستکاری نرخ ارز به خطر بیندازد. جبل‌عاملی با تأکید بر ضرورت مداخله بانک مرکزی در بازار ارز گفت: با توجه به شرایط جنگی اقتصاد کشور، محدودیت‌های ورود ارز و فشار تحریم‌ها، مداخله بانک مرکزی در بازار ارز ضروری است. در چنین شرایطی باید از ابزارهایی که به جذب و هدایت شفاف نقدینگی کمک می‌کنند، حمایت کرد.

این کارشناس بازار سرمایه با بیان اینکه افزایش نرخ ارز اتفاق مطلوبی نیست، تصریح کرد: آثار افزایش نرخ ارز به سایر بازارها نیز منتقل می‌شود، اما نمی‌توان این روند را صرفاً به فروش اوراق سلف سکه مرتبط دانست. از سوی دیگر، عرضه این اوراق می‌تواند برای افرادی که به سرمایه‌گذاری مستقیم در طلا و سکه علاقه دارند، مسیر رسمی و شفافی فراهم کند؛ به‌ویژه آنکه بخشی از جامعه هنوز با صندوق‌های طلا، نقره و ابزارهای اختیار معامله آشنایی کافی ندارد.

اتهام‌زنی به بانک مرکزی، آدرس غلط است

نیما میرزایی، کارشناس بازار سرمایه، نیز در گفت‌وگو با خبرنگار ایبنا، ادعای افزایش نرخ ارز با هدف فروش گران‌تر اوراق سلف سکه را تحلیلی ناقص و تک‌بعدی دانست و گفت: ارزش کل این اوراق حدود ۱۰ همت است و منطقی نیست بانک مرکزی برای کسب منفعتی در این مقیاس، اعتبار خود را زیر سؤال ببرد.

وی افزود: متهم کردن بانک مرکزی به افزایش نرخ ارز، در شرایطی که این نهاد طی یک سال گذشته عملکرد قابل قبولی داشته، رویکرد درستی نیست و در واقع نوعی آدرس غلط دادن به جامعه محسوب می‌شود. تحریم‌ها، محدودیت‌های زمینی و دریایی و مشکلات ساختاری اقتصاد، از جمله ناترازی بانک‌ها، فشارهای متعددی بر اقتصاد کشور وارد کرده‌اند و باید در تحلیل تحولات بازار ارز مورد توجه قرار گیرند.

میرزایی ادامه داد: تجمیع این عوامل و آثار تورمی آنها موجب شده است نرخ تورم طی یک سال گذشته از محدوده ۵۰ درصد به بیش از ۸۰ درصد برسد. بنابراین، نمی‌توان تمام فشارهای موجود در بازار ارز را به تصمیمات بانک مرکزی یا عرضه یک ابزار مالی خاص نسبت داد.

این کارشناس بازار سرمایه با اشاره به عملکرد بازارهای مختلف در یک سال گذشته اظهار کرد: بازدهی دلار و طلا در مقایسه با بسیاری از بازارهای دیگر کمتر بوده است.

برای مثال، سرمایه‌گذاری در برخی کالاهای عرضه‌شده در بورس کالا می‌توانست بازدهی بالاتری نسبت به دلار و طلا داشته باشد. بازار سهام نیز با وجود ریسک‌ها و مشکلات اقتصادی، در این دوره عملکرد بهتری نسبت به این دو بازار ثبت کرده است.

وی در پایان توصیه کرد سرمایه‌گذاران تحت تأثیر اخبار و موج‌های کوتاه‌مدت تصمیم‌گیری نکنند و بازارهای مختلف را بر اساس ریسک و بازده ارزیابی کنند. میرزایی همچنین صندوق‌های کالایی، بازار سهام و صندوق‌های ارزی را از ظرفیت‌های قابل بررسی برای سرمایه‌گذاری دانست و گفت صندوق‌های ارزی تازه‌راه‌اندازی‌شده امکان کسب بازدهی ارزی حدود ۵ درصد در سال را فراهم می‌کنند و سرمایه‌گذاران را از بخشی از دشواری‌ها و ریسک‌های خرید و نگهداری ارز فیزیکی بی‌نیاز می‌سازند.

وزیر اقتصاد و برنامه‌ریزی عربستان خبر داد:

تغییر رویکرد اقتصادی دولت عربستان

خاورمیانه

به نقل از سی‌ان‌بی‌سی، عربستان سعودی در پی تشدید فشارهای اقتصادی و امنیتی، در حال بازنگری در راهبرد هزینه‌کرد برای اجرای چشم‌انداز ۲۰۳۰ است. کاهش فعالیت‌های نفتی، افت سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش تهدیدهای امنیتی، ریاض را به سمت تعدیل پروژه‌های پرهزینه و تخصیص هدفمندتر منابع مالی سوق داده است.

فیصل الابراهیم، وزیر اقتصاد و برنامه‌ریزی عربستان، با اشاره به تغییر رویکرد دولت اعلام کرد که سیاست اقتصادی کشور از «هزینه‌کرد و اجرای پروژه‌ها به هر قیمت» به سمت «هزینه‌کرد با هزینه مناسب و بازده مطلوب» حرکت کرده است. به گفته وی، اولویت کنونی افزایش بهره‌وری منابع، اصلاح مقررات و فراهم‌کردن زمینه مشارکت بیشتر بخش خصوصی است. عربستان از زمان آغاز چشم‌انداز ۲۰۳۰ در سال ۲۰۱۶، سرمایه‌گذاری گسترده‌ای را برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی آغاز کرد؛ اما اکنون توجیه اقتصادی برخی طرح‌های عظیم را دوباره ارزیابی می‌کند. کاهش مقیاس پروژه نئوم و شهر آینده‌نگر «لاین»، توقف تأمین مالی مسابقات گلف لیو، تعلیق ساخت یک آسمان‌خراش بزرگ در ریاض و به تعویق انداختن بازی‌های زمستانی آسیایی ۲۰۲۹ از جمله نشانه‌های این تغییر سیاست است. در همین راستا، صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان نیز در تخصیص منابع محتاطانه‌تر عمل می‌کند و تمرکز بیشتری بر بازده سرمایه و جذب مشارکت بخش خصوصی دارد.

حملات امنیتی و افزایش هزینه‌های اقتصادی

حملات یمنی‌ها به زیرساخت‌های غیرنظامی و اقتصادی عربستان، از جمله تأسیسات نفتی، فرودگاه ریاض و برج صندوق سرمایه‌گذاری عمومی، بر نگرانی‌های اقتصادی و امنیتی این کشور افزوده است. این حملات علاوه بر خسارات انسانی و اختلال در تجارت و حمل‌ونقل، بر اعتماد سرمایه‌گذاران نیز تأثیر گذاشته‌اند. کنفرانس بین‌المللی سرمایه‌گذاری عربستان موسوم به «داووس در صحرا» نیز در پی افزایش نگرانی‌های امنیتی لغو شد.

وزیر اقتصاد عربستان اعلام کرده است سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی به بازگشت تولید انرژی به سطوح نزدیک به پیش از بحران کمک کرده و این کشور برای جبران اختلال‌های حمل‌ونقل، بخشی از مسیرهای واردات و صادرات را از شرق به غرب منتقل کرده است.

انقباض اقتصاد و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی

بر اساس آمار رسمی، تولید ناخالص داخلی واقعی عربستان در سه‌ماهه سوم ۳.۸ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش یافت. در این دوره، فعالیت‌های نفتی با افت ۲۰.۴ درصدی مواجه شد، در حالی که بخش غیرنفتی رشد ۱.۹ درصدی را ثبت کرد. همچنین ورود خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سه‌ماهه دوم ۱۹.۵ درصد کاهش یافت. وزارت دارایی عربستان انقباض ۲.۱ درصدی اقتصاد در سال جاری و رشد ۱۰.۹ درصدی در سال آینده را پیش‌بینی کرده است. در مقابل، مؤسسه آکسفورد اکونومیکس چشم‌انداز بدبینانه‌تری دارد و از احتمال کاهش ۳.۴ درصدی اقتصاد در سال جاری و انقباض ۴ درصدی در سال ۲۰۲۷ خبر داده است.

آکانکشا سامدانی، اقتصاددان ارشد آکسفورد اکونومیکس، معتقد است چشم‌انداز ۲۰۳۰ وارد مرحله‌ای شده که در آن بازده سرمایه‌گذاری اهمیت بیشتری دارد. به گفته وی، دولت منابع بودجه‌ای را به سمت خدمات ضروری و اولویت‌های راهبردی هدایت می‌کند و صندوق سرمایه‌گذاری عمومی نیز به دنبال افزایش مشارکت بخش خصوصی است. با وجود تعدیل یا تأخیر برخی پروژه‌های بزرگ، سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی مانند تولید صنعتی، لجستیک، گردشگری، معدن و فناوری همچنان ادامه دارد.



از سوی دیگر، کارشناسان هشدار می‌دهند تداوم حملات به زیرساخت‌های اقتصادی می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران به عربستان را تضعیف کند؛ به‌ویژه در حوزه گردشگری، سرگرمی و رویدادهای ورزشی که از ارکان اصلی برنامه تنوع‌بخشی اقتصادی این کشور به شمار می‌روند.

آرژانتین چاپ پول برای تأمین هزینه‌های دولت را ممنوع کرد

آمریکای جنوبی

مجلس نمایندگان آرژانتین روز پنجشنبه با ۱۴۱ رأی موافق، بدون رأی مخالف و ۹۹ رأی ممتنع، اساسنامه جدید بانک مرکزی این کشور را به تصویب رساند. بر اساس این مصوبه، حفظ ارزش پول ملی، پزوی آرژانتین، به‌عنوان «مأموریت اصلی و بنیادین» بانک مرکزی تعریف شده و استفاده از منابع این نهاد برای تأمین مخارج دولت ممنوع خواهد بود.

خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد که تصویب این قانون در شرایطی صورت گرفت که شاخص ماهانه فعالیت اقتصادی آرژانتین از انقباض اقتصاد این کشور در دو فصل متوالی حکایت دارد؛ وضعیتی که نگرانی‌ها درباره ورود اقتصاد این کشور آمریکای جنوبی به رکود را افزایش داده است. دفتر ریاست‌جمهوری آرژانتین در واکنش به تصویب این قانون اعلام کرد: «این قانون به ۹۱ سال غارت، مصادره، مصونیت از مجازات و فرسایش نهادی پایان می‌دهد.»

خاویر میلی، رئیس‌جمهور آرژانتین، که در سال ۲۰۲۳ با وعده اصلاحات بنیادین اقتصادی و حتی انحلال بانک مرکزی وارد رقابت‌های انتخاباتی شده بود، این اقدام را بخشی از برنامه خود برای بازسازی ساختار اقتصادی کشور می‌داند.

کریستینا فرناندز، رئیس‌جمهور پیشین آرژانتین و از چهره‌های برجسته جریان پرونیست، در دوران فعالیت سیاسی خود از سیاست تأمین مالی هزینه‌های دولت با استفاده از منابع بانک مرکزی حمایت می‌کرد؛ رویکردی که منتقدان آن را یکی از عوامل تشدید تورم مزمن در این کشور می‌دانند. دولت میلی در چارچوب سیاست‌های ریاضتی و کاهش شدید هزینه‌های عمومی، توانست نرخ تورم سالانه را از حدود ۳۰۰ درصد در ابتدای سال ۲۰۲۴ به ۳۳ درصد در اکتبر ۲۰۲۶ کاهش دهد؛ هرچند این سیاست‌ها با فشارهای اقتصادی و اجتماعی قابل‌توجهی همراه بوده است. با این حال، اصلاحات جدید بانک مرکزی با انتقادهایی از سوی مخالفان سیاسی دولت مواجه شده است. نمایندگان جریان پرونیست عمدتاً در رأی‌گیری نهایی از اعلام رأی موافق یا مخالف خودداری کردند. جولیا استرادا، نماینده این جریان، پیش از رأی‌گیری مدعی شده بود که اصلاحات پیشنهادی میلی نه‌تنها استقلال بانک مرکزی را تقویت نمی‌کند، بلکه اهداف دیگری را دنبال می‌کند.



استرادا در ماه اوت در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «اصلاح اساسنامه بانک مرکزی از سوی میلی هیچ ارتباطی با استقلال این نهاد ندارد.» او همچنین با اشاره به انتصاب سانتیاگو باوسیلی به ریاست بانک مرکزی، مدعی شد که وی با لوئیس کاپوتو، وزیر اقتصاد آرژانتین، ارتباط حرفه‌ای و کاری دارد و پیش‌تر در شرکت مشاوره اقتصادی متعلق به او فعالیت کرده است. این نماینده مخالف دولت، سه هدف اصلی اصلاحات جدید را تثبیت نفوذ کاپوتو در بانک مرکزی، استفاده از ذخایر ارزی به‌عنوان وثیقه برای استقراض بیشتر و محدود کردن مأموریت‌های این نهاد عنوان کرد. استرادا در ادامه تأکید کرد که این اصلاحات، برخلاف رویکرد بانک‌های مرکزی بسیاری از کشورهای جهان، از جمله فدرال رزرو آمریکا و بانک مرکزی برزیل توجه کافی به موضوعاتی مانند فعالیت اقتصادی و اشتغال ندارد. او در پایان تصریح کرد: «به همین دلایل با این طرح مخالفیم. موضع ما روشن است؛ ما خواهان بانکی مرکزی هستیم که علاوه بر مقابله با تورم، در مسیر توسعه اقتصادی نیز نقش‌آفرینی کند.»

بر اساس گزارش آسوشیتدپرس، پیش‌نویس اولیه لایحه پیشنهادی میلی همچنین مقرر می‌کرد که برکناری رئیس مستقر بانک مرکزی تنها با رأی موافق دو سوم اعضای هر دو مجلس کنگره آرژانتین امکان‌پذیر باشد. با این حال، سنای این کشور در جریان بررسی لایحه، این بند را از متن نهایی حذف کرد. سفارت آرژانتین نیز تا زمان انتشار گزارش، به درخواست بنیاد خبری دیلی کالر برای اظهارنظر درباره این قانون پاسخ نداده بود.

در عرصه سیاست خارجی نیز رئیس جمهور آرژانتین از زمان آغاز ریاست‌جمهوری خود رویکردی نزدیک‌تر به ایالات متحده اتخاذ کرده است. او در دسامبر ۲۰۲۳ دعوت عضویت آرژانتین در گروه بریکس را رد کرد؛ ائتلافی اقتصادی متشکل از برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی که ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، آن را به دنبال کردن سیاست‌های «ضدآمریکایی» متهم کرده است. با این حال، کشورهای عضو بریکس چنین برداشتی را رد می‌کنند و تأکید دارند که هر یک در چارچوب منافع ملی خود فعالیت می‌کنند.

آرژانتین همچنین از سال ۱۹۹۸ در فهرست متحدان اصلی خارج از پیمان ناتو (Major Non-NATO Ally) ایالات متحده قرار دارد و در زمینه‌هایی همچون مبارزه با تروریسم و مقابله با قاچاق مواد مخدر با واشنگتن همکاری می‌کند.

ترکیه برای مهار تورم به سیاست‌های پولی سخت‌گیرانه‌تر نیاز دارد

آسیا

به نقل از صندوق بین‌المللی پول؛ ترکیه در سال ۲۰۲۶ با چالش‌های اقتصادی قابل‌توجهی روبه‌رو شد؛ به‌طوری‌که درگیری‌های خاورمیانه و بحران صندوق‌های سرمایه‌گذاری در ماه سپتامبر، ثبات اقتصادی این کشور را تحت تأثیر قرار داد. با این حال، اقدامات مقام‌های ترکیه در محدود کردن آثار افزایش قیمت انرژی و اختلالات بازارهای مالی، مورد توجه و تمجید این نهاد قرار گرفت. صندوق بین‌المللی پول در گزارش اولیه خود که پس از سفر هیئتی از کارشناسان این نهاد به ترکیه در چارچوب مشورت‌های ماده چهارم منتشر شد، اعلام کرد این کشور با وجود پیشرفت‌های قبلی در اجرای برنامه تثبیت اقتصادی، با شوک‌های اقتصادی قابل‌توجهی مواجه شده است.

بر اساس این گزارش، اتخاذ سیاست‌های قاطعانه به مهار آثار تورمی افزایش قیمت انرژی و حفظ ثبات مالی کمک کرده است؛ هرچند شوک‌های اخیر بر رشد اقتصادی، نرخ تورم و ذخایر مالی ترکیه تأثیر منفی گذاشته و ضرورت تداوم انضباط در سیاست‌گذاری اقتصادی را برجسته کرده است. صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرد رشد اقتصادی ترکیه به‌تدریج بهبود یابد، اما روند کاهش تورم با سرعت کمتری ادامه پیدا کند. این نهاد همچنین تأکید کرد اجرای هماهنگ و مرحله‌بندی‌شده سیاست‌های پولی، مالی و اصلاحات ساختاری می‌تواند به تسریع روند مهار تورم و بهبود توازن بخش خارجی اقتصاد ترکیه کمک کند.

صندوق بین‌المللی پول با تأکید بر ضرورت حفظ سیاست پولی به‌اندازه کافی انقباضی در ترکیه، اعلام کرد بانک مرکزی این کشور باید برای تسریع روند کاهش تورم و تثبیت انتظارات تورمی، به سیاست‌های محدودکننده پولی ادامه دهد. این نهاد همچنین اذعان کرد که دولت ترکیه با وجود شرایط دشوار اقتصاد کلان، توانسته است انضباط مالی را حفظ کند؛ با این حال، خواستار اجرای برنامه تعدیل مالی گسترده‌تر و سریع‌تر از اهداف پیش‌بینی‌شده در برنامه میان‌مدت اقتصادی ترکیه برای سال‌های ۲۰۲۷ تا ۲۰۲۹ شد.

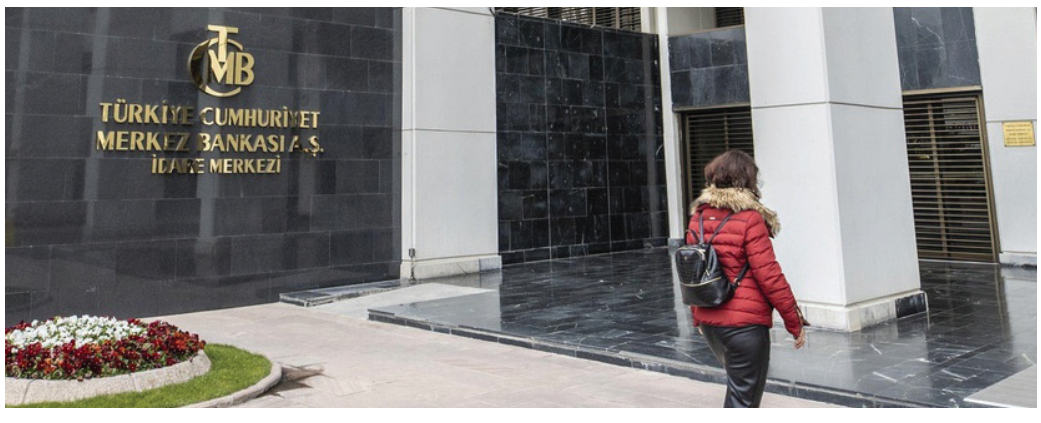

به گفته صندوق بین‌المللی پول، تحقق این هدف مستلزم بهبود نظام وصول درآمدهای دولت، افزایش کارایی هزینه‌های عمومی و مدیریت مؤثرتر منابع مالی است. این نهاد معتقد است هماهنگی میان سیاست‌های پولی و مالی می‌تواند ضمن افزایش تاب‌آوری اقتصاد ترکیه در برابر شوک‌های خارجی، زمینه را برای بهبود تدریجی رشد اقتصادی فراهم کند.

صندوق بین‌المللی پول در بخش دیگری از گزارش خود، نظام بانکی ترکیه را در برابر شوک‌های متوالی اقتصادی و مالی مقاوم ارزیابی کرد. بر اساس این گزارش، اگرچه حاشیه سرمایه بانک‌های ترکیه کاهش یافته، اما همچنان بالاتر از حداقل الزامات نظارتی قرار دارد. همچنین نتایج شبیه‌سازی آزمون‌های تنش نشان می‌دهد بانک‌های این کشور توانایی مقابله با شرایط نامساعد اقتصادی، از جمله افزایش شدید نرخ بهره و نوسانات نرخ ارز را دارند. صندوق بین‌المللی پول هشدار داد که تحول و پیچیده‌تر شدن ریسک‌های مالی، اتخاذ رویکردی جامع در سیاست‌گذاری و نظارت را ضروری کرده است. این نهاد به‌ویژه بر تقویت نظارت بانکی، سامان‌دهی فعالیت صندوق‌های سرمایه‌گذاری، توسعه شفافیت در بازارهای سرمایه و تقویت شبکه‌های ایمنی مالی تأکید کرد.

صندوق بین‌المللی پول همچنین خواستار افزایش نظارت مقرراتی و شفافیت در بازارهای مالی ترکیه شد تا آسیب‌پذیری‌هایی که در جریان بحران اخیر صندوق‌های سرمایه‌گذاری آشکار شده‌اند، برطرف شوند.

گزارش خبری

موج تازه سرمایه به استارتاپ‌های خاورمیانه

به نقل از عرب‌نیوز، بازار استارتاپی خاورمیانه و آفریقا در هفته جاری شاهد موج تازه‌ای از تأمین مالی با محوریت فناوری‌های مالی، هوش مصنوعی و خدمات دیجیتال بود. در مهم‌ترین رویداد، شرکت سعودی تمارا ۴۰۰ میلیون دلار منابع مالی جذب کرد. همچنین چند استارتاپ در عربستان، امارات و اردن موفق به جذب سرمایه شدند و دو صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر نیز در مجموع ۵۹.۴ میلیون دلار منابع جدید به دست آوردند.

شرکت سعودی تمارا با انعقاد دو توافق تأمین مالی مبتنی بر دارایی، ۴۰۰ میلیون دلار برای توسعه فعالیت‌ها و محصولات خود جذب کرد. این بسته شامل تسهیلات ۷۴۹ میلیون ریالی از بانک ژاپنی MUFG، معادل حدود ۱۹۹.۶۸ میلیون دلار، و افزایش ۲۰۰ میلیون دلاری اعتبار این شرکت نزد بانک استاندارد چارترد است. به گفته تمارا، قرارداد با MUFG نخستین تأمین مالی اوراق بهادارسازی مبتنی بر ریال سعودی است که یک بانک بین‌المللی به یک شرکت فناوری مالی منطقه ارائه می‌کند. این منابع در قالب بدهی تأمین شده‌اند، نه سرمایه سهامی. تمارا بیش از ۲۶ میلیون مشتری و ۱۶۰ هزار پذیرنده تجاری در عربستان و بازارهای خلیج فارس دارد.

توسعه زیرساخت‌های بانکی و هوش مصنوعی

شرکت سعودی OORI با مجموعه Oumla برای توسعه زیرساخت‌های دیجیتال سرمایه‌گذاری در بانک‌ها و مؤسسات مالی همکاری کرد. این مشارکت با استفاده از فناوری زنجیره بلوکی، فرایندهایی مانند ارزیابی سرمایه‌گذاری، بررسی انطباق با شریعت و ثبت دارایی‌ها را تسهیل می‌کند و هدف آن کاهش هزینه‌ها و افزایش شفافیت معاملات است. در حوزه هوش مصنوعی، استارتاپ سعودی ۰۰۹ نیز ۱.۴ میلیون دلار سرمایه اولیه از صندوق Outliers Venture Capital و سرمایه‌گذاران فرشته جذب کرد. این شرکت با توسعه عامل‌های هوشمند، فرایندهای اداری و عملیاتی سازمان‌های دولتی و صنایع را خودکارسازی می‌کند. منابع جدید برای توسعه فناوری و ورود به بخش‌های تولید، معدن و صنایع دفاعی اختصاص می‌یابد.

استارتاپ اماراتی سونر (Sooner) یک بسته مالی ۲۰ میلیون دلاری شامل ۵ میلیون دلار سرمایه سهامی و ۱۵ میلیون دلار تسهیلات منطبق با شریعت دریافت کرد. Nuwa Capital رهبری بخش سرمایه‌گذاری سهامی را بر عهده داشت و Amwal Capital Partners تأمین‌کننده بخش بدهی بود. این شرکت با مجوز اداره اراضی دبی، امکان پرداخت ۱۰ درصد پیش‌پرداخت خرید مسکن به‌جای ۲۰ درصد و تسویه باقی مبلغ طی ۶۰ قسط ماهانه را برای خریداران واجد شرایط فراهم می‌کند. سونر اعلام کرده است منابع جدید ظرفیت پشتیبانی از یک میلیارد درهم، معادل ۲۷۲.۲۹ میلیون دلار، خرید مسکن در سال ۲۰۲۷ را ایجاد می‌کند.

سرمایه‌گذاری جدید در خدمات مالیاتی دیجیتال اردن

شرکت اردنی InvoiceQ در دور سرمایه‌گذاری توسعه‌ای خود ۵ میلیون دلار جذب کرد. این دور به رهبری Manara Ventures و Next Ventures و با مشارکت Orange Ventures و دو صندوق حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط اردن انجام شد. این شرکت در زمینه صدور صورتحساب الکترونیکی و انطباق مالیاتی فعالیت می‌کند و بیش از ۱,۴۰۰ کسب‌وکار را در هشت بازار منطقه‌ای پوشش می‌دهد. سرمایه جدید برای توسعه محصولات و گسترش فعالیت‌های منطقه‌ای اختصاص خواهد یافت.

شرکت اماراتی Iliad Partners نخستین صندوق سرمایه‌گذاری خود را با ۳۳.۴ میلیون دلار نهایی کرد. صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان از طریق زیرمجموعه خود Jada، در کنار بانک‌های یونانی و سرمایه‌گذاران اروپایی و منطقه‌ای، از حامیان این صندوق است. تمرکز اصلی آن بر استارتاپ‌های نرم‌افزار سازمانی و هوش مصنوعی در عربستان و امارات قرار دارد. همچنین First Circle Capital با جذب ۲۶ میلیون دلار، نخستین صندوق خود را برای سرمایه‌گذاری در استارتاپ‌های فناوری مالی آفریقا تکمیل کرد. شرکت مالی بین‌المللی، بانک سرمایه‌گذاری عمومی فرانسه و نهادهای توسعه‌ای آفریقا از جمله سرمایه‌گذاران آن هستند. فناوری بیمه، وام‌دهی جایگزین و زیرساخت‌های مالی از حوزه‌های اصلی فعالیت این صندوق است.

تحولات اخیر نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران منطقه‌ای و بین‌المللی توجه بیشتری به زیرساخت‌های مالی، هوش مصنوعی و خدمات دیجیتال دارند. در این میان، تأمین مالی ۴۰۰ میلیون دلاری تمارا و گسترش ابزارهای تأمین مالی بانکی، از اهمیت روزافزون منابع بدهی در کنار سرمایه‌گذاری خطرپذیر حکایت دارد. عربستان و امارات همچنان کانون اصلی جذب سرمایه در خاورمیانه هستند و بازارهای آفریقایی نیز با توسعه فناوری‌های مالی، به مقصدهای جذاب‌تری برای سرمایه‌گذاران تبدیل شده‌اند.